



آموزش خرد در مدارس به منظور ارتقای استعداد دانش‌آموزان

صابر صالح نژاد بهرستاقی، بهزاد شوقی، آلدن سلیمی^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی آموزش خرد در مدارس به منظور ارتقای استعداد دانش‌آموزان بود. روش پژوهش از نظر هدف بنیادی-کاربردی و از نظر نوع داده، ترکیبی (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی بود. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش، خبرگان جامعه علمی دانشگاهی و متخصصان آموزش و پرورش بودند و در بخش کمی جامعه آماری شامل کلیه معلمان مدارس متوسطه شهر به تعداد ۲۴۰۰ نفر بود. حجم نمونه در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و اصل اشباع نظری ۲۰ نفر تعیین شد و در بخش کمی نیز با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۳۳۱ نفر به عنوان نمونه تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته ۳۲ سوالی بود. برای سنجش روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شد که نتایج بیانگر روایی ابزار بود. برای سنجش پایایی مصاحبه از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی استفاده شد؛ همچنین به منظور اطمینان از پایایی پرسشنامه از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج بیانگر پایا بودن ابزارها بود. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی کدگذاری نظری برگرفته از روش نظریه پردازی داده بنیاد بود؛ همچنین در بخش کمی تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون‌های تحلیل عاملی (تاییدی و اکتشافی) و آزمون تی تک نمونه‌ای) توسط نرم افزار Spss-V22 انجام شد. نتایج نشان داد مولفه‌های آموزش خرد شامل، مولفه‌های آموزش مسئولیت پذیری، آموزش کیفیت زندگی، آموزش مشارکت پذیری و آموزش کار تیمی، و مولفه‌های ارتقای استعداد، شامل برنامه ریزی استعداد، محتوای درست بر اساس استعداد، کشف استعداد و بهسازی استعداد، بود و همچنین نتایج نشان داد تدریس خرد در مدارس باعث ارتقای استعداد دانش‌آموزان متوسطه می‌شود.

کلمات کلیدی: ارتقای استعداد، آموزش خرد، آموزش مسئولیت‌پذیر، آموزش مشارکت

^۱ - دانشجوی مقطع دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران

saber.salehnezhad@gmail.com

^۲ - فارغ التحصیل دکتری، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

b.shoghi@srbiau.ac.ir

^۳ - استادیار، گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران (S.ladan@yahoo.com)

مقدمه

در دنیای امروز یافتن افرادی با توانایی‌های برتر در آموزش و پرورش از اهمیت خاصی برخوردار است. غالباً معلمان، والدین و خود افراد از استعدادهایشان به درستی آگاه نیستند. تجربه نشان داده است که هرگاه معلمان و والدین، استعداد دانش آموزان و کودکان خود را شناسایی کنند، می‌توانند آنها را در مسیر درست هدایت نمایند. معلم در این مورد، نقش کلیدی ایفا می‌کند، وی با رویکردهای مختلف آموزشی، دانش آموزان را به کشف استعداد های نهفته شان سوق می‌دهد (دهقان، ۱۳۹۳).

مدارس به دانش و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان وابسته هستند چراکه فرایند تدریس برعهده ایشان می‌باشد. بی‌شک، که همه ی معلمان در انجام وظایف و عملکرد خود یکسان نیستند. مسلماً معلمانی در مسؤلیت خطیر خود موفق هستند که در درجه اول نگرش‌های مثبتی به شغل و حرفه خود داشته باشند. در واقع معلمان، ابتکار و عشق به کار خود را در جهت دستیابی به اهداف تدریس و یادگیری از طریق کاری که انجام می‌دهند نشان می‌دهند (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۶).

امروزه با تحولات گسترده و پدیده جهانی شدن، آموزش نیز دچار تحول شده است و در اغلب کشورهای پیشرفته، شاهد تحولاتی عظیم در بخش آموزش هستیم. در این کشورها سعی می‌شود با شکستن چارچوب های آموزش سنتی و به کارگیری روش های جدید، آموزش ها موثرتر و کارا تر شود و بدین ترتیب فکر دانش آموزان پرورش یابد. امروزه، رویکردهایی مانند یادگیری خودم‌محور، دانش آموز محور و .. ایجاد شده است که باعث می‌شود تا دانش آموز، به استقلال در یادگیری رسیده و موجب رشد تفکر خلاق در وی می‌گردد. اما تمام تلاش معلمان در مدارس برای این است که دانش آموزان یادگیرند و استعدادهای نهفته ایشان کشف شود (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۶).

شناسایی استعدادهای برتر برای پرورش افراد نخبه از دید برخی صاحب‌نظران باید از مدارس آغاز شود. برای این منظور نظام آموزش و پرورش به رغم بسیاری از مشکلات و نارسایی های موجود باید به گونه ای هدفمند و درازمدت به سمت بهبود و ارتقای شاخص ها و امکانات آموزشی گام دارد؛ یکی از نخستین گام ها عمقی ساختن فرایند آموزش و دوری از یادگیری های سطحی است (گرین، ۲۰۲۰). این گامها از مدارس آغاز می‌گردد. معلم باید با روش های استعدادیابی که در سیستم های آموزشی موفق وجود دارد آشنا شود. با بهره گیری از روش های موجود در زمینه شناخت استعدادها در مدارس، قدرت تشخیص معلمان در شناخت دانش آموزان مستعد بالا می‌رود. معلمان در کنار آگاهی یافتن از راه های کشف افراد نخبه در مدارس، باید راه های پرورش این افراد مستعد را نیز آموزش ببینند و در جهت ارتقای استعداد دانش

¹ Greene

آموزان گام بردارند. برای این هدف باید سیستم آموزشی برای معلمان کلاس ها و دوره های آموزشی برگزار کند و در کلاس ها روش های نوین استعدادیابی و پرورش استعدادها را به آنان بیاموزد (جوس و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۵).

علاوه بر توجه به آموزش معلمان، گام دوم این است که ساختار و امکانات آموزشی به سمت و سوی رشد و ارتقای استعداد دانش آموزان پیش برود و امکانات آموزشی بستر لازم برای شکوفایی استعدادها را فراهم نمایند. از جمله این امکانات، تجهیزات آموزشی و آزمایشگاهی و فضای کلاسی مناسب است. متأسفانه شرایط کنونی حاکم بر فضای مدارس و آموزش و پرورش به گونه ای است که بچه ها را از مدرسه، درس و مشق و یادگیری گریزان می کند. آموزش و پرورش باید برای انگیزه بخشی به استعدادها، فضای لازم و مناسب را برای دانش آموزان در مدارس فراهم آورد تا بچه ها با درس و مدرسه آشتی کنند. متأسفانه این روزها به دلیل نبود فضای مناسب، پرنشاط و انگیزه بخش در مدارس و نبود امکانات کمی و کیفی در اغلب مدارس، بسیاری از دانش آموزان، مدرسه گریز شده اند. این اتفاق البته مختص دانش آموزان کم هوش و تنبل نیست و در مورد بچه هایی که استعداد، هوش و توان علمی بالایی دارند نیز صدق می کند. از طرف دیگر، برای ادامه دادن مسیر استعدادیابی و پرورش استعدادهای دانش آموزی در سطوح مختلف تحصیلی قطعاً نیازمند به روز کردن محتوای کتاب های درسی هستیم. محتوای کتاب ها باید به گونه ای باشد که دانش آموز بتواند با آن ارتباط برقرار کند. متأسفانه محتوای بسیاری از کتاب های درسی به گونه ای است که دانش آموزان، همچنان به فکر حفظ کردن هستند نه یادگیری. نتیجه چنین یادگیری مسلماً عمیق نخواهد بود و دانش آموزانی که دروس خود را اینگونه آموزش می بینند به زودی محتوایی را که آموخته اند از یاد می برند و استعدادی ارتقا پیدا نمی کند (اقبال و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲).

اما علاوه بر بروزرسانی و بهسازی اقدامات فوق، پژوهشگران دریافته اند که عوامل متعددی می تواند موجب ارتقای استعداد دانش آموزان در مدارس شوند. یکی از این عوامل تدریس درست با محتوای درست است. فراری (۲۰۰۹)، عنوان می کند که تدریس خرد به دانش آموزان باعث ارتقای استعداد ایشان می گردد. وی در پژوهش خود عنوان می کند که مدارس تنها جای آموزش ریاضیات و علوم و افزایش دانش دانش آموزان در این ارتباط نیست، بلکه باید در کنار آموزشهای مرسوم، آموزش مسئولیت پذیری، هنر زندگی با کیفیت و مشارکت و کار تیمی را به آنها آموخت. فراری از این آموزشها با نام آموزش خردمندی نام می برد. زامرونی و همکاران (۲۰۱۹)، به آموزش خرد بر اساس فلسفه زندگس اشاره می کند و معتقد است که این آموزش باعث خردمندی و پرورش استعداد ذاتی می گردد. امبرس (۲۰۱۹) نیز این موضوع را مورد

¹ Jooss, et al

² Zamroni, et al

³ Ambrose

تایید قرار می دهد. ما^۱(۲۰۲۰)، به آموزش خرد اشاره می کند و عنوان می کند که آموزش خرد، به ارتقای هوش خردمندی می انجامد.

خرد، نقطه برتر توسعه فردی و ترکیبی از ویژگی های انسانی است که امکان انجام عمل بهتر را ایجاد می کند (لو و استودینگر،^۲ ۲۰۱۶ و استاودینگنر و پاسوپاتی،^۳ ۲۰۰۳). در مقیاس سازمانی، خرد، ظرفیت عملی کردن مناسب ترین رفتارها در محیط با توجه به دانسته ها و دغدغه های درست است (رونی^۴ ۲۰۱۶)؛ بنابراین خرد تأثیر چشمگیری بر موفقیت در سطح مختلف فردی، سازمانی و اجتماعی دارد. سطوح بالاتر خرد سازمانی با سطوح بالاتر ارزش آفرینی همراه است (اسپوهرر و همکاران،^۵ ۲۰۱۷). به عقیده وایل^۶ (۲۰۰۷) خرد، حالتی است که در آن، فرد یا گروه، واحد اصلی اقدام شجاعانه و خردمندانه در امور سازمانی است. کریستین و همکاران (۲۰۰۰) تعریف مختصری از خرد ارائه کردند: آن ها خرد را ظرفیت قضاوت و گزینش دانش خاص در یک زمینه خاص و برای یک کار خاص می دانند.

مفهوم خرد، هر چند موضوعی جدید در ادبیات آموزشی است اما با نگاهی به تاریخچه این مفهوم می توان دریافت که حدود ۵۰۰۰ سال پیش ایجاد شد و از آن زمان تا کنون در زمینه فلسفی مورد بحث قرار گرفته است (ایزاک،^۷ ۲۰۱۳). برای مثال، سقراط اشاره داشت که عشق، شخصیت، هماهنگی، زیبایی و حقیقت به خرد می افزایند و این که برای خردمند بودن، افراد باید با جستجوی حقایق، از تنفرها و علاقه مندی های بی دلیل فاصله بگیرند. او هم چنین بیان داشت تخصص، دانش و خرد، منابعی از نیرو می باشند و باید به خوبی برای اهداف سیاسی و اجرایی جهت کسب سلامت و رفاه مورد استفاده قرار گیرند (ترگراوسکی،^۸ ۲۰۲۰ به نقل از رونی و مککنا، ۲۰۰۸). افلاطون، در مکالمات خود و مکالمات عمومی - اش بیان داشت خرد می تواند به عنوان یک ویژگی خاص در دست افرادی در نظر گرفته شود که دارای ویژگی هایی نظیر اندیشیدن در مورد زندگی (مثل سوفیا)، کاربرد مؤثر قضاوت مناسب در مورد رفتار بشر (مثل فرانسیس) و داشتن دانش علمی مرتبط با ذات امور، باشند. ارسطو در پی افلاطون، در کتاب اخلاق نیکوماخوس،^۹ خرد را به عنوان فرانسیس (مثل احتیاط)، توازن، فضیلت و زیبایی شناسی در نظر گرفت (رونی و مککنا، ۲۰۰۸). او هم چنین فرانسیس را به عنوان شکلی از خرد عملی و سوفیا را به عنوان خرد فلسفی در ترکیبی از دلیل شهودی در نظر گرفت که هر دوی آن ها برای اطلاع رسانی

¹ Ma

² Law & Staudinger

³ Staudinger & Pasupathi

⁴ Rooney

⁵ Spohrer, et al

⁶ Vaill

⁷ Izak

⁸ Targowski

⁹ Nicomachean

در مورد عمل خردمندانانه مورد نیاز هستند (استودینگر و لپالد، ۲۰۱۹).

مدارس به مثابه پایدارترین شکل نهاد آموزش و پرورش همواره در معرض پرسشهایی در قبال کیفیت خود بوده‌اند. تحقق مدرسه باکیفیت در ترکیب با مفهوم مدیریت کیفیت، سازهای گسترده و چندبعدی است که مستلزم بازآرایی ساختار مدارس، بهبود محصولات و خدمات مدرسه، مشارکت همه جانبه و ایجاد فضای اطمینان بخش برای همه گروههای ذینفع مدرسه است. مدارس وظیفه مهمی در قبال آموزش دانش آموزان و پرورش استعدادهای ایشان دارند. مدیران مدارس با حمایت همه جانبه از روشهای آموزشی معلمان و محتوای آموزشی مورد استفاده می‌توانند گامی مهم در رسیدن به ارتقای استعداد دانش آموزان بردارند و آینده کشور را تضمین نمایند. در این زمینه البته کارهای مختلفی انجام شده است. برای مثال، طرح شهاب یکی از طرحهایی است به دنبال شناسایی آن دسته از دانش آموزان با استعدادی است که به دلیل ناآشنایی خانواده یا معلمان و مربیان با ویژگی های کودکان با استعداد به صورت ناشناخته باقی مانده اند، یا به دلیل عدم امکان دسترسی به فرآیندهایی همچون جشنواره ها و... نتوانسته اند استعدادها و توانایی های خود را به نهادهای نخبگانی عرضه نمایند. اما موضوع پرورش استعداد تنها به این طرح خلاصه می‌شود و دیگر شاهد طرحهای آموزشی و محتوای مناسب در دوران متوسطه نیستیم. حال آنکه، این دوره یکی از مهم ترین دوران تحصیلی دانش آموزان است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۶).

دوره متوسطه از دوره‌های مهم، حساس و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی آدمی است. دوره‌ای است که به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی دانش‌آموزان آن با سایر دوره‌های تحصیلی مشترکات و تمایزاتی دارد و دارای طیف وسیعی است که دوران نوجوانی را در بر می‌گیرد و در انتهای طیف به دنیای جوانی می‌رسد. در دوره متوسطه، قسمت اعظم استعدادهای اختصاصی نوجوان و جوان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حد اعلای خود می‌رسد، کنجکاویشان جهت معینی می‌یابد و مسائل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند؛ از این‌رو این دوره در نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان اهمیت زیادی دارد. این دوره، از لحاظ مبانی فلسفی، زیستی، روانی و اجتماعی دوره بسیار مهمی است. دوره‌ای که آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می‌دهد و گروه کثیری را برای ورود به جامعه و بازار کار مهیا می‌کند؛ از این‌رو هر نوع نارسائی و خلل در این دوره مستقیماً بر عملکرد و کیفیت هر دو حلقه آموزش، عمومی و عالی، تأثیر بسزائی خواهد داشت (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

با توجه به اهمیت دوره متوسطه و ارتقای استعداد دانش آموزان در این دوره، پژوهش حاضر بر آن است تا با انجام

¹ Staudinger & Leipold,

پژوهشی گامی مهم در جهت شناسایی مولفه های آموزش خرد و ارتقای استعداد دانش آموزان متوسطه دوم بردارد و وضعیت موجود را مورد بررسی قرار دهد.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش آموزش خرد در مدارس به منظور ارتقای استعداد دانش آموزان بود، روش پژوهش از نظر هدف کاربردی؛ از نظر روش جمع آوری داده ها توصیفی - پیمایشی و از نظر نوع داده، ترکیبی (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی بود.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری بخش کیفی پژوهش، خبرگان جامعه علمی دانشگاهی و متخصصان آموزش و پرورش بودند که از سوابق اجرایی در سطوح تصمیم گیری برخوردار بوده و به اصطلاح خبرگان آگاه نام دارند؛ هم چنین در بخش کمی جامعه آماری شامل معلمان مدارس متوسطه دوره دوم به تعداد تقریبی ۲۴۰۰ نفر بود. حجم نمونه در بخش کیفی با استفاده از اصل اشباع نظری ۲۰ نفر تعیین شده است و در بخش کمی نیز با استفاده از فرمول کوکران و با خطای ۰/۰۵ تعداد ۳۳۱ نفر به عنوان نمونه تعیین و برای افزایش دقت و پیش بینی افت حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه گیری در بخش کیفی روش نمونه گیری غیرتصادفی هدفمند بوده است و در بخش کمی نیز از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای استفاده شد.

ابزار گردآوری داده ها

ابزار تحقیق در بخش کیفی شامل مصاحبه های نیمه ساختار یافته بود که از مصاحبه ها برای پاسخ به سوال مربوط به شناسایی مولفه های اصلی پژوهش و شاخص های آن استفاده شد. در بخش کمی ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته ۳۲ سوالی بود که با مرور مبانی نظری و عملی و نیز نتایج مصاحبه های اکتشافی (با کدگذاری باز و محوری متون مصاحبه اکتشافی)، تدوین شده است. مشخصات پرسشنامه به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۱- مشخصات پرسشنامه

بعد	مؤلفه	تعداد گویه	شماره گویه‌ها	ضریب آلفا	همبستگی بازآزمایی
آموزش خرد	آموزش مسئولیت پذیری	۴	۴-۱	۰,۷۸	۰,۷۶
	آموزش کیفیت زندگی	۳	۷-۵	۰,۷۵	۰,۷۴
	آموزش مشارکت پذیری	۵	۱۲-۸	۰,۷۹	۰,۷۷
	آموزش کار تیمی	۳	۱۵-۱۳	۰,۷۴	۰,۷۳
	برنامه ریزی استعداد	۵	۲۰-۱۶	۰,۸۱	۰,۷۸
ارتقای استعداد	محتوای درست بر اساس استعداد	۳	۲۳-۲۱	۰,۷۸	۰,۷۷
	کشف استعداد	۵	۲۸-۲۴	۰,۸۳	۰,۸۰
	بهبودی استعداد	۴	۳۲-۲۹	۰,۷۸	۰,۷۵

روایی و پایایی ابزارهای تحقیق

روایی: برای تعیین روایی پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش ابتدا از روش روایی محتوا^۱ استفاده شد. از این رو پرسشنامه تدوین شده در این تحقیق در اختیار خبرگان و صاحب نظران مربوطه قرار گرفته و نظرات آنان در جهت تحصیل هرچه بهتر روایی اخذ و اصلاحات مورد نظر صورت گرفت. علاوه بر روایی محتوایی، روایی سازه نیز برای بررسی اعتبار پرسشنامه استفاده شد. برای این منظور نتایج تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که نتایج بیانگر روایی سازه ابزار بود.

پایایی: در این پژوهش از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شده و هر کدام از آن‌ها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دو بار کدگذاری شد. سپس گدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه شدند که یافته‌ها بیانگر مناسب بودن پایایی بازآزمون بود. همچنین برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار^۲ از یکی از اساتید مدیریت آموزشی آشنا به کدگذاری درخواست شد تا به عنوان کدگذار ثانویه در پژوهش مشارکت کند در ادامه محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد

¹ Content validity

² Inter coder reliability (ICR)

سه مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود را محاسبه کرد. پایایی حاصل از دو کدگذار با توجه به محاسبات ۸۲٫۸ بدست آمد که بیانگر مناسب بودن آن است. همچنین پس از تایید روایی محتوایی و سازه ابزار پژوهش به منظور اطمینان از پایایی پرسشنامه، آن را روی نمونه ۲۰ نفری از جامعه آماری اجرا نموده و داده‌های حاصل با استفاده از دو روش (ضریب آلفا و بازآزمایی) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بیانگر پایا بودن پرسشنامه بود که در جدول فوق قابل مشاهده است.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی کدگذاری نظری برگرفته از روش نظریه پردازی داده بنیاد بود؛ همچنین در بخش کمی تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون تی تک نمونه‌ای) انجام شد. لازم به ذکر است که نرم افزارهای مورد استفاده در این پژوهش Spss-V22 بود.

یافته‌های پژوهش

در این بخش داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌های علمی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به این که پژوهش از نوع آمیخته می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل دو بخش است: تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و تجزیه و تحلیل داده‌های کمی. در ادامه به تحلیل محتوای داده‌های حاصل از مصاحبه پرداخته می‌شود.

تحلیل داده‌های کیفی

پاسخ‌های ارائه شده به سؤالات مصاحبه به منظور آموزش خرد در مدارس به منظور ارتقای استعداد دانش آموزان در قالب کدهای شناسایی شده بر اساس نظر خبرگان انجام شد و ۴ مولفه برای بعد آموزش خرد و ۴ مولفه برای ارتقای استعداد مورد شناسایی قرار گرفتند که در جدول ۲ قابل مشاهده می‌باشند:

جدول ۲. مولفه‌های شناسایی شده حاصل از کدگذاری نهایی

سازه	بعد	مولفه	کد نهایی
آموزش خرد	آموزش خرد	آموزش مسئولیت پذیری	I10, I9, I1, I13, I11

I6, I8, I10, I17, I4	آموزش کیفیت زندگی	ارتقای استعداد	آموزش
I10, I8, I1, I3, I4	آموزش مشارکت پذیری		خرد در
I10, I9, I1, I13, I11	آموزش کار تیمی		مدارس به
I6, I8, I10, I17, I4	برنامه ریزی استعداد		منظور
I10, I8, I1, I3, I4	محتوای درست بر اساس استعداد		ارتقای
I2, I6, I10, I20	کشف استعداد		استعداد
I11, I9, I10, I14, I5	بهبودی استعداد		دانش
			آموزان

در این جدول، ستون اول بیانگر سازه، ستون دوم، ابعاد پژوهش، ستون سوم، کدهای مربوط به مدل است که از کدگذاری باز به دست آمده است و ستون آخر کد مربوط به مصاحبه شونده آورده شده است که اشاره به فراوانی هر یک از پاسخ‌های ارائه شده دارد.

تحلیل داده‌های کمی

در این بخش به تحلیل کمی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-v22 پرداخته می‌شود. براساس نتایج حاصل از بخش کیفی پژوهش در رابطه با مفهوم آموزش خرد در مدارس به منظور ارتقای استعداد دانش آموزان، ۳۲ شاخص شناسایی شد و بعد از بررسی روایی محتوا توسط فرم‌های CVR و CVI، همه شاخص‌ها تأیید شد. در ادامه به بررسی وضعیت موجود این متغیرها پرداخته می‌شود.

وضعیت موجود آموزش خرد در مدارس و ارتقای استعداد دانش آموزان چگونه است؟

برای بررسی فرضیه فوق با توجه به اینکه مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای در نظر گرفته شد و توزیع داده‌ها نرمال بود از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. همچنین با توجه به اینکه مقیاس پنج درجه‌ای است، ارزش عددی برای مقایسه با آماره تی عدد ۳ در نظر گرفته شد. نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۳- آزمون تی تک نمونه‌ای به منظور بررسی وضعیت موجود

متغیر	مؤلفه	ارزش آزمون=۳					
		t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد از اختلاف حد پایین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد از اختلاف حد بالا
آموزش خرد	آموزش مسئولیت پذیری	-	۳۹۹	۰,۰۰۰	۰,۶۰۹	۰,۵۳۴	۰,۶۸۵
	آموزش کیفیت زندگی	۱۵,۸۶۸					
	آموزش کیفیت زندگی	۱۳,۳۸۴	۳۹۹	۰,۰۰۰	۰,۴۵۵	-۰,۵۲۲	-۰,۳۸۸
	آموزش مشارکت پذیری	-					
	آموزش کار تیمی	۱۶,۹۳۱	۳۹۹	۰,۰۰۰	۰,۷۵۱	-۰,۸۳۸	-۰,۶۶۴
ارتقای استعداد	برنامه ریزی استعداد	-					
	محتوای درست بر اساس استعداد	۱۳,۳۸۴			۰,۵۱۰	۰,۵۳۸	۰,۵۵۹
	کشف استعداد	۱۳,۰۳۶	۳۹۹	۰,۰۰۰	۰,۷۴۷	۰,۶۳۴	۰,۸۵۹
	بهسازی استعداد	۱۵,۰۶۰	۳۹۹	۰,۰۰۰	۰,۶۵۱	-۰,۷۳۶	-۰,۵۶۶
	آموزش کار تیمی	۸,۲۶۷	۳۹۹	۰,۰۰۰	۰,۴۱۳	۰,۵۱۱	۰,۳۱۵
	آموزش کار تیمی	۱۲,۳۲۲	۳۹۹	۰,۰۰۰	۰,۵۲۱	۰,۵۰۱	۰,۵۸۵

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، سطح معناداری در همه مؤلفه‌ها کمتر از یک صدم می‌باشد و بنابراین فرض صفر با ۹۹ درصد اطمینان رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود. از طرفی با توجه به اینکه حد بالا و پایین فاصله اطمینان (اختلاف میانگین) در متغیرهای آموزش مسئولیت پذیری، آموزش کار تیمی، برنامه ریزی استعداد، کشف استعداد و بهسازی استعداد مثبت می‌باشد، می‌توانیم بگوییم میانگین مشاهده شده بزرگتر از میانگین نظری (۳) می‌باشد و به عبارتی مؤلفه‌های ذکر شده در وضعیت مطلوبی قرار دارند. در مقابل، برای متغیرهای آموزش کیفیت زندگی و آموزش مشارکت پذیری و محتوای درست بر اساس استعداد، این اختلاف میانگین، منفی است که بیانگر آن است که وضعیت متغیرهای مذکور در حالت نامطلوب قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی آموزش خرد در مدارس به منظور ارتقای استعداد دانش آموزان پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، مولفه‌های آموزش مسئولیت‌پذیری، آموزش کیفیت زندگی، آموزش مشارکت‌پذیری و آموزش کار تیمی، به عنوان مولفه‌های آموزش خرد شناسایی شدند و مولفه‌های برنامه ریزی استعداد، محتوای درست بر اساس استعداد، کشف استعداد و بهسازی استعداد، به عنوان مولفه‌های ارتقای استعداد مورد شناسایی قرار گرفتند. بر این اساس، می‌توان گفت که مدارس نقشی مهم در پرورش استعداد دانش آموزان دارند و در این مسیر، نقش معلمان از سایرین، پررنگ‌تر است. معلمان ساکنان دار آموزش در مدارس هستند. این پژوهش در بین مدارس متوسطه انجام پذیرفت. همانطور که قبلاً نیز بدان پرداخته شد، دوره متوسطه، از دوره‌های مهم، حساس و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی دانش آموزان است. دوره‌ای است که وضعیت دانش آموزان دچار تحول می‌شود و ایشان چه از لحاظ اجتماعی و چه روانی دچار تغییراتی بی‌سابقه می‌شوند که این موضوع آموزش و پرورش آنها را نیز با چالش مواجه می‌کند. در این دوره، استعدادهای اختصاصی دانش آموزان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حد اعلای خود می‌رسد و زمان کشف استعدادهای و پرورش آنها است. حال، با آموزشهای مرسوم امروزی نمی‌توان انتظار دانش‌آموزانی برتر و پرورش یافته را داشت چراکه محتوای دروسی که در اختیار ایشان قرار گرفته و آموزشهایی که برای پرورش استعدادشان به آنها داده شده، کافی نبوده است. فراری (۲۰۰۹) در این زمینه پژوهش کرده است که در متن پژوهش بدان اشاره شد. وی اذعان می‌کند که آموزش دانش آموزان نباید صرفاً به آموزش علوم محدود شود، بلکه ایشان برای زندگی در دنیای واقعی و تلاش برای یادگیری به آموزشهای برتری مانند آموزش خرد نیازمند هستند تا استعدادهایشان شکوفا شود. آموزش خرد، یکی از این نوع آموزشها است که بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مولفه‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌پذیری، کیفیت زندگی و کار تیمی را در بر دارد. دانش آموزان به آموزش مسئولیت‌پذیری نیاز دارند چراکه در آینده باید مسئولیت خود و دیگران را برعهده بگیرند و باید یادگیرند که مسئول اعمال خویش هستند. این مورد، در آموزش و پرورش کشور مجهول است و عملاً دانش آموزان مسئولیت‌پذیر بار نمی‌آیند. علاوه بر این باید بتوانند با دیگران مشارکت کنند و تجربه کشورها و سازمانهای موفق نشان داده است که افراد در این سازمانها، روحیه مشارکت داشته‌اند و کاری را بطور انفرادی انجام نمی‌دهند. حس مشارکت انقدر دارای اهمیت است که از مولفه دیگر با نام کار تیمی سخن به میان می‌آید، داشتن کار تیمی و پروژه محور در هر مقطعی از زندگی به دانش آموزان کمک می‌کند تا علاوه بر خودکارآمدی، به پرورش دانش، مهارت و نگرش خود بپردازند. علاوه بر این، دانش آموزان برای بالا بردن کیفیت زندگی خود در آینده باید آموزش ببینند. این

آموزش تحت عنوان آموزشهای خردمندی، نمایان می‌گردد و به دانش آموزان کمک می‌کند تا از لحظه لحظه زندگی خود به نحو مطلوبی استفاده کنند و از آن لذت ببرند.

اما در مورد ارتقای استعداد که در پژوهش حاضر، به مولفه‌هایی مانند برنامه ریزی استعداد، محتوای درست بر اساس استعداد، کشف استعداد و بهسازی استعداد اشاره شده است. برای پرورش استعداد دانش آموزان، معلمان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نقش را دارند و این کار را باید با برنامه ریزی در زمینه استعداد و کشف استعداد انجام دهند. البته معلمان به تنهایی قادر به اینکار نیستند و باید حمایت مدیران مدارس نیز چاشنی این کار گردد. علاوه بر این، محتوای درستی به دانش آموزان انتقال داده شود معلمان مسئول ارائه محتوای درست بر اساس پرورش استعداد هستند. شاید به هر دلیلی، برنامه ریزان آموزشی نتوانند برنامه درسی را بر اساس استعداد تمام دانش آموزان طراحی کنند. این هنر معلم است که محتوا را به گونه‌ای آموزش دهد تا دانش آموزان استعدادهای خود را بشناسند و درصدد ارتقای آن گام بردارند. کشف استعدادهای نهفته و بهسازی این استعدادهای از دیگر مولفه‌های ذکر شده در این پژوهش است. معلمان پس از کشف استعداد دانش آموزان، باید با روشهای نوین تدریس و استفاده از ابزارها و امکانات در اختیار خود، استعداد را شکوفا کنند تا بتوانند آینده‌ای روشن برای آنها رقم بزنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش چندین پیشنهاد قابل ارائه است:

- محتوای دروس دوره متوسط بر اساس کشف استعداد دانش آموزان بازنگری گردد.
- محتوای تدریس شده به منظور ارتقای تعهد و مسئولیت پذیری دانش آموز باشد.
- معلمان آموزشهای لازم برای تدریس و پرورش استعداد را ببینند.
- معلمان دارای صلاحیت حرفه‌ای استخدام شوند.
- از کارهای عملی برای تدریس استفاده شود.
- از شیوه‌های مشارکتی برای آموزش بهره گرفته شود.
- از غربالگری دانش آموزان اجتناب شود و همگان به عنوان استعدادهای برتر آینده کشور در نظر گرفته شوند و آموزش ببینند.

منابع

- اقبال، فرزانه، هویدا، رضا، سیادت، سید علی، سماواتیان، حسین و یارمحمدیان، محمد حسین. (۱۳۹۵). طراحی و تدوین مدل فرایند مدیریت استعداد اعضای هیات علمی برای دانشگاه های استعداد محور. پژوهشهای مدیریت عمومی، ۹(۳۴)، ۲۷-۹
- ایمانی، جواد، باقری، مهدی، قورچیان، نادرقلی و جعفری، پریش. (۱۳۹۶). بررسی مؤلفه‌ها و شاخصهای اثربخشی مدارس برای ارائه مدل در راستای بهبود سیستم آموزشی مدارس. فصلنامه پژوهشهای رهبری و مدیریت آموزشی، ۴(۱۴)، ۶۱-۲۵
- خلخال، علی و قهرمانی، شهربانو (۱۳۹۱). مدیریت کیفیت جامع، پیشبینی مقدار نهادی سازی کیفیت در مدارس. فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۳(۲)، ۱-۲۰
- دهقان، علیرضا (۱۳۹۳). اولویت بندی عوامل تاثیرگذار بر مدیریت استعداد در دانشگاه تهران. دانشگاه تهران. دانشکده مدیریت. پایان نامه کارشناسی ارشد
- سپهوند، رضا، شریعت نژاد، علی و عارف نژاد، محسن. (۱۳۹۸). طراحی مدل استقرار نظام مدیریت استعداد در مدارس با استفاده از رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری. مدیریت مدرسه، ۷(۱)، ۲۱۲-۲۲۹

Ambrose, D. (2019). Giftedness and wisdom.

Christensen, E. W., Bierly, P. E., & Kessler, E. H. (2000). Organizational Wisdom as a Strategic Weapon. *Strategies and Tactics in Business Management For The New Millennium*, 13-37.

Greene, R. J. (2020). *Strategic Talent Management: Creating the Right Workforce*. Routledge.

Jooss, S., Burbach, R., & Ruël, H. (2019). Examining talent pools as a core talent management practice in multinational corporations. *The International Journal of Human Resource Management*, 1-32.

Ma, W. (2020). High Wisdom Intelligence-Discussing Education of High Wisdom Intelligence. *International Journal of Educational Studies*, 1(1).

- Rooney, D. (2016). Knowledge appreciates your generosity: exploring a meeting point between knowledge and wisdom. *Prometheus*, 1-16.
- Rooney, D., & McKenna, B. (2007). Wisdom in organizations: Whence and whither. *Social Epistemology*, 21(2), 113-138.
- Spohrer, J., Bassano, C., Piciocchi, P., & Siddike, M. A. K. (2017). What Makes a System Smart? Wise?. In *Advances in The Human Side of Service Engineering* (pp. 23-34). Springer International Publishing.
- Staudinger, U. M., & Leipold, B. (2019). The assessment of wisdom-related performance.
- Staudinger, U. M., & Pasupathi, M. (2003). Correlates of wisdom-related performance in adolescence and adulthood: Age-graded differences in “paths” toward desirable development. *Journal of Research on Adolescence*, 13(3), 239-268.
- Targowski, A. (2020). Cognitive informatics and wisdom development: Interdisciplinary approaches. *Additive Manufacturing*, 2021, 949.
- Vaill, P. B. (2007). Interpersonal Relations in Organizations and the Emergence of Wisdom. *Handbook of organizational and managerial wisdom*, 327.
- Zamroni, E., Ristiyani, H. U., Ismaya, E. A., Ahsin, M. N., & Kudus, U. (2019). Local Wisdom Character Education Based on the Life Philosophy of RMP Sosrokartono

Teaching wisdom in schools to improvement students' talents

Saber Salehnezhad Behrestaghi

Student PhD, Philosophy of Education Department, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran (saber.salehnezhad@gmail.com)

Behzad Shoghi

PhD in Department of Educational Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (b.shoghi@srbiau.ac.ir) (Author in charge)

Ladan Salimi

Assistant Professor, Department of Educational Planning, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran (dr.b_ghorbani@yahoo.com)

Abstract

The aim of this study was to investigate the teaching of wisdom in schools in order to improve students' talents. The research method was fundamental-applied in terms of purpose and exploratory (qualitative-quantitative) in terms of data type. The statistical population in qualitative part of the research included experts of the academic scientific community and education specialists, and in the quantitative part, it included all teachers of secondary schools in the Tehran who were 2400 people. The sample size in the qualitative section was determined using targeted non-random sampling method and the principle of theoretical saturation, so 20 people were chosen. In the quantitative section using Cochran's formula and random sampling method of multi-stage cluster, 331 people was determined as a sample. Data collection tools were semi-structured interviews in the qualitative part (32 questions). in the quantitative part, it was the researcher-made questionnaire. Content validity was used to measure the validity of the questionnaire, and the results indicated the validity of the instrument. To test the reliability of the interview, the reliability of the experiment and the method of in-subject agreement were used; also, in order to ensure the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha coefficient method was used, which showed that the tools were stable. The data analysis method in the qualitative part was the theoretical coding based on the method of data theorizing; also in the quantitative part, the data analysis was done using descriptive and inferential statistics (factor analysis tests (confirmatory and exploratory) and t-test $\neg A$) was performed by Spss-V22 software. The results showed that the components of micro-education, including the components of accountability training, quality of life training, participatory training and teamwork training, and the components of talent development, including talent planning, talent-based content, talent discovery and improvement Talent, as well as results showed that teaching wisdom in schools enhances the talent of high school students.

Keywords: talent development, micro-education, responsible education, partnership education